



# هایپرمارکت آکادمیک

قوائد و ارزش‌های دانشگاهی به خوبی عمل کرده‌اند.

از منظر دیگر یک نکته اساسی که باید به آن پرداخت این است که در نتیجه تحولات فوق، نگرش جامعه ایرانی نسبت به تحصیل در آموزش عالی دچار دگرگونی فراوانی شده است و دیگر مدارج دانشگاهی ارزش کاربردی خود را در جامعه ندارد و احساس می‌شود بیشتر به عنوان یک پرستیژ و شاخصه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود تا یک گواهی علمی که شخص دارای آن شاخصه‌ها و مهارت‌های تخصصی آن رشته را داراست. چنان که دکتر محمد امین قانع‌راد، استاد جامعه‌شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه ناموزون آموزش عالی بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان» بیان می‌کند: در ایران آموزش عالی به عنوان یک کالا مصرفی، از آموزش عالی به عنوان یک مقوله اقتصادی نقش بیشتری داشته‌است و رشد آن قالباً از مسائل سیاسی و فرهنگی متأثر بوده‌است.

آری اینگونه است که جوان جامعه ما، برای به‌دست آوردن جایگاه اجتماعی و همچنین گذشت زمان برای یافتن شغل ایده‌آل خود، دست به خرید می‌زند، یک خرید آکادمیک از یک هایپرمارکت آکادمیک. گاهی با به دست آوردن شاخصه‌های تخصصی آن رشته و در اکثر اوقات بدون به‌دست آوردن آن. اصلاً کاش همان خرید و فروش یک هفته‌ای مدرک که در سال‌های پیش باب شده بود، قانونی می‌شد که جوانان حداقل عمر خود را برای به‌دست آوردن مدرکی که پول آن را پرداخت کرده‌اند و همچنین علاقه و دانشی در آن‌ها به وجود نیامده، صرف نکنند. آن وقت کسانی که واقعاً علاقه به درس خواندن و کسب دانش تخصصی داشتند، در دانشگاه‌ها می‌ماندند.

اما فاجعه آنجاست که به‌نظر می‌رسد بسیاری از شرایط به وجود آمده با رضایت همه عناصر دانشگاهی اتفاق افتاده و تنها چندی از اساتید دغدغه‌مند و دانشجویان هدف‌مند از این شرایط ناراضی‌اند که در این شرایط نمی‌توان انتظار زیادی برای تغییر وضع موجود داشت؛ مگر اینکه تلاش‌های همان اندک دانشجویان و اساتید در دانشگاه‌های بزرگ کشور به جایی برسد و تغییرات جدی در سیستم آموزش عالی ایجاد شود.

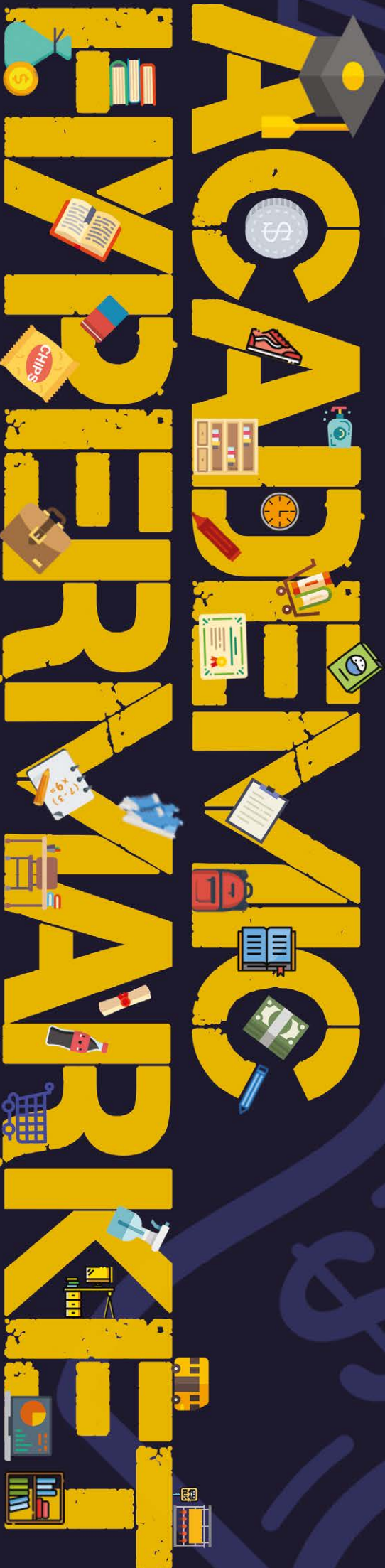
**حال باید گفت روز دانشجو مبارک؛ به همه دانشجویان واقعی و دانش‌آموزان دانشگاهی.**

امروز اگر پای خاطرات بزرگ‌ترها بنشینید و سفری به گذشته نه چندان دور بروید، یعنی حدوداً همین دهه ی ۶۰ گذشته و به صورت اتفاقی گذرتان به دانشگاه‌های آن زمان کشورمان بیفتد، حتماً از تفاوت‌های بین اکثر دانشگاه‌های امروز و آن زمان شگفت زده خواهید شد. در مقایسه این دو، شما اگر دانشجو باشید حتماً به جایگاه خاص و ابهت دانشجو بودن در آن زمان غبطه خواهید خورد؛ البته اگر از سختی‌ها و دشواری‌های آن نهراسید. فارغ از جایگاه سیاسی و اجتماعی دانشجویان و جنبش دانشجویی مقتدر در کشور که دیگر اثر چندانی از آن یافت نمی‌شود، شما در مقایسه‌ای ساده به تفاوت‌های دانشجویان از نظر شاخصه‌های علمی پی خواهید برد. آن وقت خیلی ساده و با جرأت می‌توانید بگویید که امروز ما فقط دانش‌آموزانی هستیم که از مقطع دبیرستان به دانشگاه آمده‌ایم؛ بدون اینکه شاخصه‌هایی از دانشجویی درونمان دیده شود.

**اما مشکل از کجاست؟**

داستان از جایی شروع شد که نهادهای سیاست‌گذاری، بر اساس استدلال‌هایی همچون افزایش رشد علمی کشور و یا تسهیل دسترسی مردم به تحصیل در آموزش عالی، تصمیم بر ایجاد مراکز متعدد و فراوان آموزش عالی که در بردارنده رشته‌ها و گرایش‌های گوناگون دانشگاهی در کشور نمودند که این امر باعث گرایش بسیاری از جوانان به امر تحصیل در این مقاطع گردید.

آنچه که در این بین حائز اهمیت است این است که پس از گذشت مدتی، تأثیرات فاجعه‌آمیز ایجاد برخی از این مراکز در سطح جامعه نمود پیدا کرد. از جمله تأثیرات آن می‌توان به دانش‌اندک و همچنین کارایی اندک فارغ‌التحصیلان برخی از این مراکز اشاره نمود؛ چرا که این مراکز به دلیل انگیزه مالی و اقتصادی فراوانی که مدیران و مؤسسان آن‌ها دنبال می‌کنند از نظر شاخص‌های کیفی دانشگاهی وضعیت مطلوبی به‌دست نمی‌آورند. به طور مثال، نوعی دانشجویسالاری در این مراکز رواج دارد؛ زیرا منبع مالی اصلی این مؤسسات دانشجویان و بنابراین برخی از آن‌ها مجبور می‌شوند برای حفظ دانشجو، قوائد و ارزش‌های علمی دانشگاه را نادیده گرفته و صرفاً رضایت دانشجویان را مد نظر قرار دهند. البته این نکته نیز باید بیان شود که برخی از این مؤسسات و دانشگاه‌ها نیز از نظر حفظ کیفیت و رعایت



# جنبش مرگ جشن



رضا رزاقی  
کارشناسی شیمی، ۹۶  
دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان

## PARTY FOR THE MOVEMENT'S DEATH

انرژی، آرمان‌های جنبش را به سخره گرفتند. هر چند برگزاری جشن در دانشگاه را نمی‌توان رویداد اشتباهی در نظر گرفت و این امر جزء نیازهای مهم قشر جوان به شمار می‌آید اما هم‌زمانی آن با سالروز شهادت اسطوره‌های استکبارستیزی در دانشگاه و فراموشی یاد و هدف آن‌ها، نتیجه‌ای جزء نابودی روح عدالت خواهی و مطالبه‌گری دانشگاه ندارد. با این حال دیده شده که استقبال دانشجویان نیز از این سبک برنامه‌ها پر شور است و جمعیت زیادی برای خندیدن در استندآپ کمدی و هم‌خوانی با خواننده‌های مشهور، حضور می‌یابند. اما نمی‌توان در این بین، دانشجویان حاضر در برنامه را مقصر دانست و یا شماتت کرد؛ چرا که



آن‌ها  
نیز از حقوق  
ابتدایی خود در

زمینه‌ی تفریح محروم بوده‌اند. وقتی چندین ماه را بدون برنامه‌ی تفریحی جذاب در دانشگاه گذرانده‌اند یا در شهری زندگی می‌کنند که کمتر خواننده‌ای اجازه فعالیت در آن را دارد و کنسرت نیز در استانی که زندگی می‌کنند، ممنوع است؛ چنین برنامه‌ای فرصتی است برای چشیدن طعم شیرین حقوق ضایع شده و همچنین اکثریت سعی می‌کنند با هر شرایطی در آن حضور یابند.

### شادی، نردبان یا نیاز؟

با این حال، توقع از تشکل‌ها و سازمان‌های دانشجویی آن است که با در نظر گرفتن نیاز عموم دانشجویان و صدور اجازه برای برگزاری مراسمات تفریحی در تمام طول سال، در پررنگ‌تر شدن اهداف جنبش دانشجویی و فعال‌تر شدن این نهضت، تلاش کنند. چرا که با این روند و برگزاری جشن‌های این چنینی در روز ۱۶ آذر، باید فاتحه‌ی جنبش را خواند و برای خالی نبودن عریضه، دست و جیبی هم در سالن‌های دانشگاه برای آن کشید.

هر چند ضعیف به نام «نهضت مقاومت ملی» تظاهراتی را علی‌الخصوص در دانشگاه شکل دادند. روز قبل از ورود نیکسون به ایران، نظامیان برای سرکوب دانشجویان معترض وارد دانشگاه شدند و با تقابل و حشیا نه‌ای،

مو جب

کشته شدن سه نفر از دانشجویان فعال دانشکده‌ی فنی گشتند. مدتی بعد، این روز توسط کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور که مرکز اجتماع مخالفان حکومت پهلوی در خارج از ایران بود، روز دانشجو نامیده شد و سال‌هاست که این روز به عنوان مهم‌ترین نماد فعالیت جنبش‌های دانشجویی شناخته می‌شود و هر ساله بهانه‌ای برای بررسی اهداف جنبش و تجدید نیرو برای ادامه‌ی روند استکبارستیزی و روشننگری دانشجویان با انرژی بیشتر به شمار می‌رود.

### دست و جیب و فاتحه

اما چند سالی است فعالیت‌های عجیبی در روز دانشجو انجام می‌گیرد. فعالیت‌هایی که نشان می‌دهند عاملین آن‌ها یا دیگر شناختی از جنبش دانشجویی ندارند و یا دوست دارند آن را به بیراهه بکشند و سطح ذائقه‌ی دانشجو را آنقدر پایین بیاورند تا بدون آنکه فهمی از روز دانشجو، شهادت هم‌قطاری‌هایش و رسالت خود داشته باشد، به مناسبت این روز به شادی و جشن و تفریح مشغول شود.

متأسفانه امسال، این افتضاح در دانشگاه فردوسی بیشتر از قبل دیده شد. برخی تشکل‌ها و سازمان‌های علمی و حتی سیاسی، مهم‌ترین برنامه‌ی خود را برای ۱۶ آذر، در محور جشن و جنگ شادی قرار دادند و خواسته یا ناخواسته، جنبش دانشجویی را در سطح استندآپ کمدی و کنسرت پایین آورده و با شعار تقویت

روزهای میانی آذرماه هر سال، جزو مهم‌ترین ایام برای جامعه مخاطبین مکتب، یعنی دانشجویان است. حتی اگر ترمک هم باشید، می‌دانید که ۱۶ آذر، به عنوان روز دانشجو نام‌گذاری شده و همه فعالین دانشجویی، چه دولتی باشند و چه از قلب خود دانشجویان

تغذیه شوند، سعی می‌کنند برای بزرگداشت این روز، کاری انجام دهند. معمولاً سلف دانشگاه غذای بهتری را برای آن روز در نظر می‌گیرد و تشکل‌ها هم سعی می‌کنند برنامه‌ای برای بزرگداشت دانشجو داشته باشند. اگر جزو دسته‌ی دانشجویان پسر باشید، قطعاً این روز، طعم دیگری برایتان خواهد داشت؛ چرا که بالاخره بعد از گذشت حدود دو دهه از عمرتان، روزی رسیده که برای شما نام‌گذاری شده و می‌توانید بعد از فروخوردن بغض حاصل از نبود روز پسر در تقویم، در حالی که حتی روز جهانی مارمولک هم وجود دارد، به بهترین نحو از روز دانشجو بهره ببرید!

### چرا ۱۶ آذر؟

شاید اگر خودتان دنبال پیشینه‌ی تاریخی این قضیه نبوده باشید و قرار باشد ۱۶ آذرماه را صرفاً براساس اتفاقات و مراسمات امسال دانشگاه بررسی کنید، به این نتیجه برسید که این روز یکی از روزهای عادی است که چون هیچ مناسبتی نداشته و اتفاقاً به روز جهانی معلولین هم نزدیک بوده، به نام روز دانشجو نام‌گذاری شده تا بتوانند در طول یک هفته، از همه آدم‌های مشکل‌دار اما گاه‌دوست داشتنی جامعه، تقدیر کنند.

اما واقعیت چیز دیگری است. درست چند ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دولت ایران دوباره خواستار از سرگیری روابط با بریتانیا شد و در ادامه‌ی این روند، قرار بر این بود تا در آذر ماه سال ۱۳۳۲ ریچارد نیکسون معاون رییس‌جمهور وقت آمریکا نیز به تهران بیاید. در این شرایط، دانشجویان و معترضینی که عشق وطن و استکبارستیزی، تمام وجودشان را گرفته بود و بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دچار سرکوب و خفقان شده بودند، دوباره به جوشش و اعتراض پرداختند و گروهی از دانشجویان تحت ائتلافی

### دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هکمت

شماره ۵۰ / نیمه دوم آذر ۹۷

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

دارای مجوز به شماره ۹۷۲۰۱۵ از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: طیبه سادات طباطبایی / سردبیر: نسیم جهانی

طراح نشریه: مصطفی هادی زاده / صفحه آرا: احمد نجف‌زاده / ویراستار: فاطمه رضایی

www.Anjoman-FUM.com t.me/AnjomanFUM instagram.com/Anjoman\_FUM

کنش خنجر خلیف که برسد ز ما  
مال زمانه فرسنگ‌سار

